

(برک در ختمان سبزد نظر هوشیار - هر ورقش دفتر بست معرفت کرد کار)
 ازان مستفید کردند. اینست که هر کدام از حکما سا اهادر کم و کیف دنیا و ما فیها
 مشغول گردیده مرا حل و راطی نموده و بالاخر به جز خود قائل شدند ولی بالنتیجه
 قرار به این دادند که فکر کردن و غرق گردیدن در بحر عمیق کائنات لازم
 و مازوم انسانها میباشد هر ذی فکر به عقب آن گردد خصوص درینوقت
 که دنیای جدید مسائل اختراعات و کشفیات محیر العقول خود را بعالم و عالیمان
 بصورت روز افزون نشان میدهد و هر یک بسبقت بردن ازان جدو جهد مینماید.
 این علمها و رای طبیعت بعد از طی مراحل تعلیم عالی مکتب ولی پس از تجارب
 صحیح توسط اشخاص لائق کسب شده میتواند.

یوسته بشماره (۷)

تمدان چگونه کسب میشود؟

بنام محترم محمدرسول خان متعلم اعدادیه حسیه

اینک مقصد اینجاست که بک فرزندشراز قدم نهادن در حیاط مدرسه و راههای تربیه
 از احاطه نزول باین دنیای پر شور و ناموفقیه بنکام و تردد قادر میشود 'لمحات واقعیه
 بین این در مرحله عمر خود را در بین عالمه میگذارد و هم همین حالت و موقعی است
 که طفل هر چه مشاهده میکند و بشنود در مغز و ضمیرش چون آتش در سنگ جای میگردد.
 این نکته نیز مبرهن است که مهد پرورش طفل آغوش مادر و عملیات او است
 زیرا عموماً ظاهر است ' محبت مادری نمیپذیرد که جگر یاره او دقیقه از کنارش غیبت
 داشته باشد. درین حال حصه بزرگ و مهم حیات طفل در زیر نظر ما در و به امتداد
 اعمال او صرف میشود. ولی سخن اینجاست که آیا بنام این مادرها خصو صاً در یک

جامعه عقب مانده تربیت شده آیا عاقله های آنها مجتمعا مذهب میباشند؟ ... اینکه مشکل بنظر میآید بهر کیف اگر این مادرها عاقله و تجربه کارباشند زهی سعادت. ولی از وجود مادرهای جاهل و خرافات پرورینزد بین جامعه نمی توانیم انکار کنیم. در بنصورت اوها میکه بذریعۀ این مادرها در کله طفل شان جای گرفته، آسپهل است که توسط ارشادات معلم و پروگرام دبستان بیرون و باطل شود؟ ... مشکل است که چوب خشک و خمیده بانکلیف ودقت زیاد هم راست شود، چه، اغلبا امکان شکستن را دارد. و وضعیت طفل هم داخل این حکم است!

پس چرا باید این نوده های نرونا زۀ را که طبعاً مستقیم میباشند بکذا ریم که در اثر عدم توجه کج و خشکیده شوند و بازر است کردن آنها که خیلی مشکل است برخوبش هموارنمائیم؟ آیا بهتر نیست که وجود های ملائیم و بی الا یشان را هم چنان که بد قدرت خلق کرده حفاظت و پرورش نمائیم و نکذا ریم از سموم اوها و جهالت خشک و خمیده گردد؟ ...

بلی بهترین اسول و اساس تربیه همین است، ولی بچه طریق؟

حسب تجارب و فلسفه های ماضی بفحوای حدیث شریف «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» باید مادرها بطور حقیقی و اسلامی در میدان تعلیم و تربیه بجولان آورده شوند تا چشم بینا و گوش شنوا را مالک شده از فلسفه حیات معنی انسانیت و وجود جا معه مستحضر گردیده بدانند، آن اجسام لطیفی را که خدای توانا با غوش شان عطا میکنند دارای چه قدر اهمیتند و چه طور آنها را پرورش داده بجا معه تقدیم کرد. اگر حکمای جامعه نصب العین خویش را اینطور قرار گذاشتند و نهال های نازک ملت خود را از شروع اولین مرحله نمو تحت تربیه و پرورش گرفتند، دیگر امیدوار استی به بهبود مملکت خویش داشته و نفس های راحت بکشند. زیرا میگویند اگر بار اهل است کار سهل است.

در سورتیکه همه افراد جامعه از دارا لتجربه معرفت و تربیه حقیقی - شناسائی

حاصل کرده وجودهای صحیح و تعلیم یافته‌های معنوی بوجود آمده، دیگر در پیش برد امور مملکت مانعی نیست و تمام شاخه‌های تمدن که برای رفعت و ترقی بک مملکت لایب‌دی است خود بخود بروی کار می‌آید و وسعت می‌یابد.

با لاخره در نتیجه انجام این وظایف شریفه، روح شهامت، شجاعت، شرافت و عفت تکثیر یافته و نزدبانه‌های مختصر و موزونی در بطن باوج هرگونه عمل و ارتقا بدست جامعه می‌افتد. زیرا در بنصورت قهرمان بزرگ و جود که عبارت از وجدان است بر سر افتد آرا آمده با سپاه معرفت و شمشیر حقیقت، دیوهای جهل و نفاق را نیست و نابود گردانیده و در جای آنها فرشته‌های نورانی اتحاد و افکار متلا را بر قرار می‌سازد.

بعد ازین اگر زارع است مفاد شخصی را یا بهمال نموده با حس جامعه‌وی صرف همت می‌نماید و طوریکه دیانت و وجدان اجازه می‌دهد، حاصل عرق جبین و نمره زحمت زراعتش را در عوض عطا یا بی‌جامعه خویش با دل صاف و فرحت کاملی با نسبت مناسبی برای افراد آن عرضه می‌دارد، در نتیجه سبکدوش و مفتخر میشود، زیرا از اجرای وظیفه محوله خویش و خدمت جامعه بخوبی و کامیابی برآمده، توانسته است.

اگر صالح است، شب و روز خویش را برای اداء قروض جامعه بصرف میرساند، صنایع خویش را با مجاهدت تام و سعت میدهد و مواد حاصله اش را که با بلبه کف دست ورنج باز و تهیه دیده باقیمت پستدیده برای اعضای ملت خویش اهدای نماید، زیرا وجدان برای او اجازه نمیدهد که در قبال محاسن و مساعی جامعه بغبین و کاهلی شعار کرده و روز خود را غنیمتی تصور نماید.

اگر ناجراست، حشر حساب و حقوق جامعه را در جلو چشم داشته هیچگاه جرئت نمیکند، بچشم جامعه خاک زده برای تزئین ذخائر و مفاد شخصی خود بر ضرر و غرابا مساکین استفاده بکشد. او فرض عین و عین فرض میداند که برای رفاه جامعه خود و افراد

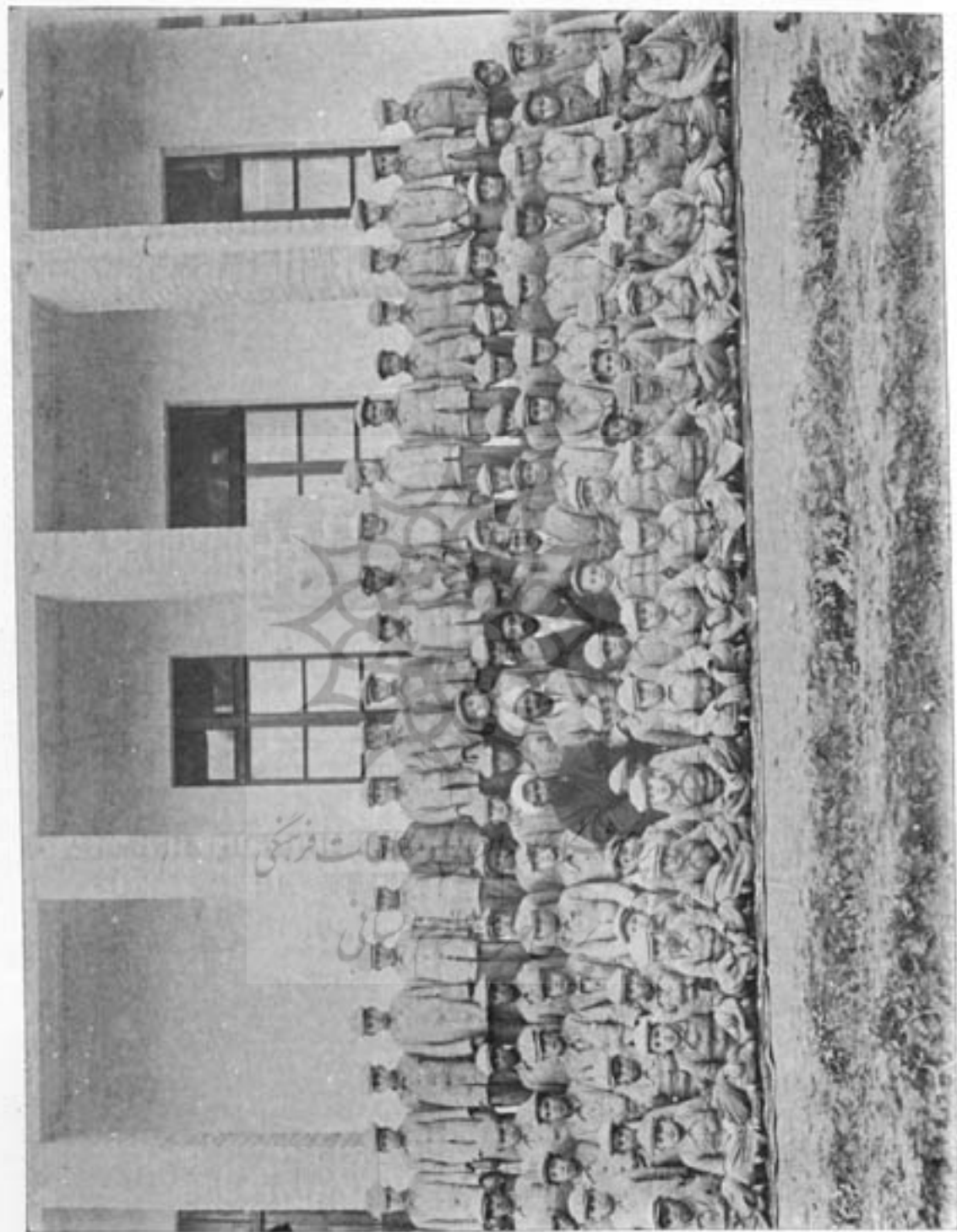
در مانده آن تسهیل و سائل شائر ا فراهم آورده از تور بد اشیای پول سوز و لهویات جداً اجتناب کنند و آنچه را که جامعه بان احتیاج حقیقی دارد فراهم آورده و در ضمن بهمان اندازه نفع بردارد که قانون برای او حلال گردانیده .

نه تنها با این اکتفا میکند بلکه برای اصلاح اوضاع غربی و وطن موسسات عدیده تشکیل میدهد برای ایتام و نفقه آنها پول و پرستار و اقامت گناه تهیه میکنند . و برای آنانی که دارای فوه جسمانی و صحیح اند ، ولی زیر فشار دست روزگار و بی چیز اند ، موسسات صناعتی تشکیل داده ماشین های مفید را در تحت اداره آنها بکار می اندازد تا به این طریق هم وسائل آسودگی و قوت شبار و زی آن غربای بیچاره را تهیه دیده و هم دست احتیاج جامعه خویش را تا یک اندازه از دراز شدن به پیش غیر نگاه کرده باشد .

شرکتهای عمومی تشکیل داده و در راه اصلاح اجتماعی با حکومت خود و ذریعه ثروت معدود شریک میشود و برای پیش برد جامعه خود از صرف دارائی موقتی دریغ و مضایقه نمیکند تا در نتیجه عدم خدمات انسانی از ثروت و سعادت ابدی محروم نگردد !

شعبه مامورین و زمامداران ملکی هم از قروض جامعه و حقوق پرورش خاک وطن در راه نموی شان غماض ننموده نمیخواهند حقوق جامعه را پایمال خواهشات نفسانی خویش گردانیده از اطاعت و احترام حکومت سر پیچی کرده ، بر قانون ملکیت چشم استغنا بینند . جنبه داکترها نیز بر کن صحت و تریبیه جسمانی هم و طنان خویش توجه و همت و رزیده دل و جان خود در اوقف تهیه صحت آنها میکنند ، زیرا میدانند که اساس فعالیت و تعالی و نیام ذرائع حصول مفهوم انسانیست صحت است و نس ! اگر صحت نیست کسی عالم شده نمیتواند ، روح بلند و افکار ستوده ندارد از کار و کسب محروم و بار دوش جامعه است ، بلاخره فاقد تمام معانی و مزایای بشری بوده و بهیچ در دنیه نخورد .

این داکترهای صحیح و سائل حفظ الصحت را فراهم آورده و نیز اسباب مخربه صحت را باند ایرطب و صحی از بین می بردارند . تا در نتیجه آن افراد صحیح الوجود زیر تربیه و در عرصه فعالیت آمده با جوش و قوه کاملتری برای بهبود ملک و ملت شان



طلبای مکاتب بلخ در سال ۱۳۱۴ - متعلق شماره ۱۰ سال ۵ - آئینه (عکاسی عبد العکیم خان)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بذل مساعی و فدا کاری نمایند .

دسته علما و مربیون هم چنانچه وظیفه انسانی و فرضی آنها است برای تربیه حقیقی و معنوی انضای ملت خویش دعاغهای خود را بخرج میرسانند تا افراد فعال و بیداری را بجا معه خویش تقدیم بدارند .

اینها که تربیه دادند و آنها نیکه تربیه شدند در انجام آن برای بهبود و تعالی مملکت خویش دست مجاهدت در از زموده عمر عزیز خودشان را در راه خدمت و تعاون بمقابل وطن و همد یگر صرف میکنند .

شعبهٔ عسکر نیز بمفهوم حقیقی عسکری یوربر ده حفظ وطن و اسایش ملت را بروح و خون گرانهای خود بر تری داده بمقابل غاصبین حقوق بشر از هیچگونه تعرض و فدا کاری دست نمیکشند! بلی! يك فر د عسکر وقتیکه بالاستحصال مکارم و تربیه صحیح نائل آمد میتواند معنای استقلال و حقوق ملیت را بفهمد . در بنصورت خودش گلوله آتشین شده سینه دشمن و مخالف را می شکافد . دارائی چنین عسکر برای يك ملت سعادت بی پایان است . ملتی که از طریق معنوی به شاهراه ترقی پیشرفته میتواند بهالکیت چنین سعادت بیابد! در بیان این توجهات و مکارم از هر طرف درو ازهای متعدد تمدن بر وی مملکت بازگشته جو بهای نبرد از هر قبیل بهر شود در جریان میآید : که در سایه آن يك اشاره خفیف حکومت و ملت هر کجا و مشروعی که از روی شان باشد شروع و تکمیل شده میتواند .

با بنظر بق - تمدید طرق - تلگراف - تیلیفون - قطار آهن تعمیر بندها و پیلها و عمارات باشکوه و غیره با خیل سہولت و سرعت بر وی کار میآید! چنانچه خط مشی حکومت سعادت پرور همان راه هدف آمال خود قرار بابد داد - باری اگر يك ملتی آبد آل خود را چنین قرار داد اطمینان داشته باشد که ملکهٔ سعادت و تمدن حقیقی او را با غوش باز و بی آلابش خود پذیرائی میکنند -
يك بخت و مقنخر آن ملتی است که چنین آغوشی او را فشار و پرورش میدهد!